

بررسی و تحلیل وند /-ok/ در واژگان مختوم به آن در گویش یزدی

نیلوفر بین‌آبادی^۱، سوده مقصودی^۲

چکیده

گویش‌ها یکی از جنبه‌های مهم فرهنگی و بهترین نمودار چگونگی نظام اجتماعی یک کشور هستند، بررسی گویش‌ها با دیدی پژوهشی و زبان‌شناختی، افزون بر حفظ این میراث گران‌بها، ما را در شناخت کهن‌واژه‌های فراموش‌شده و احیای دوباره آنها به‌منظور توانمندسازی نظام واژگانی زبان فارسی یاری می‌رساند. هدف این جستار آشنایی بیشتر با پسوند /-ok/ از نظام واژگان یزدی و بررسی و تحلیل این پسوند است. این وند با پیوستن به عناصر قاموسی مختلف، مجموعه‌ای متنوع از مفاهیم مختلف را پدید می‌آورد. امروزه، اگرچه به دلیل نفوذ گونه معیار، از میزان زایایی این پسوند کاسته شده است، ولی همچنان در گفتار گویشوران یزدی این پسوند به کار می‌رود. مفاهیمی که پسوند /-ok/ به عنصر پایه می‌دهد؛ عبارت‌اند از تصغیر، تحقیر، صمیمیت، فراوانی، تشبیه، توصیف و معرفگی و ... در پژوهش حاضر، با تکیه بر انواع متون گفتاری، شفاهی و کتبی همچون مشاهده و ثبت گفتار گویشوران بومی منطقه و نیز گردآوری داده‌های مرتبط از طریق متونی همچون واژه‌نامه‌ها، فرهنگستان و نمونه‌های گفتاری، در شناخت ساختار و نقش این عنصر واژه‌ساز از گونه یزدی کوشیده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: گویش یزدی، پسوند /-ok/، عنصر پایه، واژگان، لهجه، گونه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸.

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه باهنر کرمان

niloo.bein@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

maghsoodi299@yahoo.com



سال چهارم، شماره ۱۴
بهار ۱۴۰۳

۱. مقدمه

زبان نظامی است فوق‌العاده پیچیده انتزاعی و زایا (فالک^۱، ۱۳۸۰: ۲) که در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل مختلف، دستخوش دگرگونی‌های فراوانی می‌شود و گونه‌ها و صورت‌های متفاوتی از آن به وجود می‌آید که آنها را «لهجه» و «گوش» می‌نامند. اروپاییان از یک قرن پیش پژوهش‌های علمی درباره لهجه‌های ایران را آغاز کردند و در مورد بیش از صدویست لهجه ایرانی مطالعه کرده‌اند، اما هنوز پژوهش در لهجه‌های ایرانی، چنان‌که باید، انجام نگرفته است (خانلری، ۱۳۶۱: ۱۵۲-۱۵۳).

گوش‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی محسوب می‌شود و هدف آن گردآوری و توصیف علمی گوش‌هاست. این نکته را باید در نظر داشت که سوادآموزی مردم، به میان آمدن وسایل ارتباط جمعی و گسترش آموزش همگانی، همه، ضربه‌هایی شدید بر پیکره گوش‌ها وارد می‌آورد و دیری نمی‌گذرد که زبان‌های محلی و گوش‌ها رو به نابودی می‌روند. گوش‌ها و زبان‌های محلی منابع بسیار غنی برای پژوهش‌های زبانی، ادبیات جامعه‌شناسی و تاریخی هستند (سرسرابی، ۱۳۸۰).

از اوان تکون و شکل‌گیری زبان فارسی نو به این سو، همواره، در جنب این زبان و لهجه رسمی آن، لهجه‌های متعدد محلی یا منطقه‌ای فارسی وجود داشته و بومیان فارسی نو را به این لهجه‌ها به کار می‌برده‌اند، میان این لهجه‌ها، از سویی و لهجه رسمی زبان فارسی از سوی دیگر و هم میان خود لهجه‌های محلی به لحاظ ویژگی‌های آوایی و نوای گفتار همچنین برخی پایه‌واژه‌ها و عناصر صرفی، به‌طور محدود و مشخص تفاوت‌های متقارن و منتظمی دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که با تدوین دقیق آنها می‌توان یکی را از روی دیگری بازسازی کرد. همچنین از طریق همین تفاوت‌ها می‌توان به هویت هر لهجه پی برد؛ درعین حال این تفاوت‌ها مانع کاربران لهجه رسمی و لهجه محلی یا کاربران لهجه‌های محلی گوناگون، در حالتی که هریک از آنان به لهجه خود سخن بگویند، نمی‌شود (مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۷).

1. Julia S. Falk



یکی از لهجه‌های شیرین ایران لهجه مردم یزد است که جدا از تعریف زبان‌شناسی، در این جستار از آن به «گویش یزدی» تعبیر شده است. «یزد» که خود واژه‌ای باستانی است، ریشه در «یسن:Yasn» و «یشت yašt» به معنای ستایش، نیایش، پرستش و ایزد، در زبان فارسی باستان دارد (فروه‌وشی، ۱۳۵۲: ۴۰۱). یزد از روزگاران گذشته از امن‌ترین شهرها و بزرگ‌ترین نواحی ایران به شمار آمده است (مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۳۷).

پیشینه تاریخی این دیار از نقش اثرگذار آن در سرنوشت سیاسی مادها گرفته تا جایگاه اقتصادی و اجتماعی آن در دوره ساسانیان سبب شده تا امروز آن را «دومین شهر تاریخی جهان» قلمداد کنند و زبان مردم یزد بر اساس تقسیم‌بندی زبان‌شناسان از زبان‌های مرکزی دسته باختری است که جز در پاره‌ای ویژگی‌های گویشی تفاوت چندانی با فارسی رایج ندارد (یارشاطر، مقدمه دهخدا، ۱۳۵۸: ۱۸)؛ به عنوان مثال دقت در یک شعر کودکانه این موضوع را روشن‌تر می‌سازد.

گویش معیار: گنجشکک اشی می‌لب بوم ما نشین

بارون می‌آد خیس می‌شی می‌افتی تو حوض نقاشی

گویش یزدی: چوغورگ اشی می‌لو بون ما نشین

بارون می‌یاد تر می‌شی می‌یفتی تو حوض نقاشی

ویژگی‌های گویشی در مناطق مختلف استان یزد یکسان نیست و تفاوت‌های آوایی بسیاری گویش یزدی را از گویش مردم شهرستان‌ها تابعه متمایز می‌کند.

در هر منطقه، آداب و عادت‌هایی رواج دارد که با زندگی مردم آنها عجین شده است و سند شناسایی مردم آن منطقه به شمار می‌آید. این آداب مشتمل است بر رسوم و سنت‌ها، عادت‌های رفتاری و عادت‌های کلامی همچون برخی غذاها، بازی‌ها و نیز آهنگ‌ها و شیوه گفتار (شریفی مقدم، ۱۳۹۱).

وند /ok- از ویژگی‌های کلامی رایج میان مردم یزد است که به عنوان سند شناسایی این گویش شناخته شده است (خامسی، ۱۳۹۳: ۲).

این وند تاریخیچه و سابقه‌ای کهن دارد و طی فرایندهای آوایی مختلف به صورت کنونی درآمده است.



پسوند /-ok/ یا /-uk/ در فارسی میانه در کلماتی چون nevak/-ok/ (خوب، زیبا) مشتق از واژه nevak (نیک) و نیز mastuk (مست) استفاده می شده است (آصف آگاه، ۱۳۸۸: ۲۲۲). «نُک» نیز یکی از پسوندهای صفت ساز در پارسی میانه در کلماتی چون پرنُک (پرنده) بوده است (خانلری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۷). در فارسی کهن، این پسوند به شکل ک/ak/ به عنوان تحبیب مانند مامک و دخترک یا تحقیر و تصغیر مانند مردک و پسرک (همان، ج ۳: ۱۲) کاربرد داشته است. در گویش یزدی این پسوند در هردو معنی مذکور کاربرد بسیاری دارد. صورت جدیدترین پسوند (-ه) یا برحسب تلفظ امروزی تهران مصوت «e» یا کسره در آخر کلمات است (همان، ج ۱: ۹۸).

در گویش یزدی وند /-ok/ ریشه در زبان دری باستان دارد، از پهلوی پرستوگیک (paristogic) به معنی پرستو (مکنزی، ۱۳۷۳: ۲۰۹). پرستوک (parastuk) (فروهوشی، ۱۳۵۲: ۷۵). در پهلوی شفتالوک (seftaluk) (فروهوشی، ۱۳۵۸: ۵۲۶) در پهلوی کاسوک (kasuk) به معنی کاسه پشت و لاک پشت (فروهوشی، ۱۳۵۸: ۳۲۶) در پهلوی makok (مکنزی، ۱۳۷۹: ۳۰۶) به معنی نام گیاهی خودرو.

۲. گویش یزدی و تاریخچه پژوهش های مربوط به آن

از میان تعداد بی شمار گویش ها و گونه ای زبانی در ایران، که گاه دایره وسعتشان تا فراسوی مرزهای ایران نیز کشیده شده است؛ گویش های مناطق کویری ایران اصالتی ریشه دار دارند و به دلایل بسیار ویژگی های گویشی در آنها کاملاً مشهود است. زبان شناسان نیم زبان های (لهجه ها) جدید ایرانی را به دو دسته باختری و خاوری تقسیم کرده اند که لهجه یزدی جزو نیم زبان های مرکزی دسته باختر محسوب می شود که در بخش باختری فلات ایران تا حدود قسمت هایی از عراق رواج دارد. نکته قابل توجه آنکه در شاخه دسته باختری کهنگی و اصالت زبانی بیشتری نسبت به شاخه دیگر مشهود است؛ درواقع در بیشتر نیم زبان های مرزی، از جمله لهجه یزدی آثار دیرینگی و آمیختگی کمتر با زبان عربی دیده می شود (ارانسکی^۱، ۱۳۷۸: ۴۸).



گویش‌های مناطق کویری از جمله گویش یزدی، از یک زبان نیرومند ایران سخن می‌گوید که به دلیل ویژگی‌های برتر خود نشانگر روزگار درازی است که در یک قلمرو گسترده در بین بسیاری از مردم مرکز محبوبیت داشته است، اما متأسفانه روزه‌روز با رویش‌های زبانی بی‌ریشه، به‌ویژه از سوی رسانه‌ها و عوامل دیگر گستره آن محدودتر می‌شود؛ چنان‌که در برخی از این مناطق، تنها سالخوردگان واژه‌های آن را با اندک فهمی به یاد می‌آورند و متأسفانه در برخی مناطق تنها نام واژه برجای مانده است.

درباره گویش تنها چند کتاب و مقاله به تحریر درآمده است، از جمله *واژه‌نامه یزدی*، تألیف ایرج افشار (۱۳۹۰)، چاپ سوم که به تعدادی واژه، به‌ویژه واژگان میبیدی که زادگاهش نیز بوده پرداخته است. *واژه‌ها و گویش‌های یزدی*، تألیف محمد حاتمی‌زاده (۱۳۸۳) که به شکل پراکنده برخی واژگان یزدی را جمع‌آوری کرده است. کتاب *تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی*، تألیف فخرالسادات خامسی هامانه (۱۳۹۲) که از نظر زبان‌شناختی و فقه‌اللغه به برخی واژگان یزدی پرداخته است. *گویش بهدینان*، تألیف کتایون مزدپور و فرهنگ بهدینان، تألیف جمشید سروش سروشیان و همچنین پایان‌نامه نقیب‌القرآ (۱۳۸۴) تا حدودی به بحث زبان‌شناختی گویش یزدی پرداخته است. صدیقه رمضانخانی در کتاب *فرهنگ زرتشتی* و همچنین مقاله «ریشه‌شناسی عامیانه برخی از واژه‌های گویش یزدی» (۱۳۹۸) تا حدودی به بحث زبان‌شناختی گویش یزدی پرداخته است. چون گویش‌ها ابعاد گوناگونی دارند، هنوز جای آن دارد که به ابعاد گوناگون گویش یزدی پرداخته شود.

در کتاب *تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی* و *واژه‌نامه یزدی*، به عنصر /ok- و تأکید بر آن به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کلامی این منطقه به‌صورت مختصر پرداخته شده است.

۳. مبانی نظری

گفتمان مفهومی است میان‌رشته‌ای که در بسیاری از رشته‌ها مانند جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، فلسفه، نقد ادبی، علوم سیاسی، مردم‌شناسی و... کاربرد دارد. گفتمان در بعد عام و کلان خود تمام ابعاد زبان چون صورت، واژگان، دستور، متن، گفته، معنا، منظور، عمل، کارکردهای فکری اجتماعی و روابط بین آنها را در برمی‌گیرد. انواع تعامل نمادین و ارتباطی



بین مردم را که معمولاً شفاهی، نوشتاری یا دیداری است شامل می‌شود. مفاهیم گفتمان نوع و سبک پیوندی نزدیک با یکدیگر دارند و به سطوح خرد و کلان مطالعات جامعه‌شناختی و زبان‌شناختی می‌پردازند (رستم بیک، ۱۳۹۴).

صادق کیا در کتاب *راهنمای گردآوری گویش‌ها* چنین می‌نویسد:

الف. گویش ادبیات ندارد، بلکه فولکلور دارد.

ب. گویش محدود به قلمرو جغرافیایی خود است (کیا، ۱۳۴۰: ۶).

پرویز خانلری در کتاب *زبان‌شناسی و زبان فارسی* در مورد گویش‌ها چنین اظهار می‌دارد:

الف. تعریف زبان و لهجه به طریقی که از یکدیگر متمایز و مشخص باشد آسان نیست.

ب. در اصطلاح زبان‌شناسی همه زبان‌هایی که از اصل واحدی آمده است و در یک کشور رواج دارد، «لهجه» خوانده می‌شود و فراوانی شماره گویندگان یا اهمیت ادبی و سیاسی در این نام‌گذاری شرط نیست (خانلری، ۱۳۶۱: ۱۳۹-۱۴۷).

صادقی معتقد است تاکنون زبان‌شناسان نتوانسته‌اند تعریف دقیق و علمی برای کلمات زبان، لهجه، گویش و فرق آنها باهم بیانند که در تمام موارد و شرایط و در مورد رابطه زبان‌ها و لهجه‌ای خانواده‌های مختلف در کشورهای مختلف بتواند به کار رود. وارد کردن عامل تفهیم و تفاهم متقابل بین افراد یا وجود آثار مکتوب و... برای یک لهجه یا گویش اشکال‌های فراوانی به بار می‌آورد؛ بنابراین باید زبان و لهجه و گویش را در محدوده هر کشور با در نظر گرفتن اوضاع زبانی و احیاناً سیاسی آن تعریف کرد (صادقی، ۱۳۴۹).

اختلاف این گونه‌های فارسی با خود فارسی از نظر صوت‌شناسی و حروف و واژگان لغات است؛ از لحاظ نحوی تقریباً تفاوتی بین آنها و زبان فارسی وجود ندارد، پس وجود مجموعه خصوصیات مشترک واجی و صرفی و نحوی و لغوی، صرف نظر از اختلاف‌های جزئی بین زبان متداول در تهران و سایر شهرها مانند یزد، کرمان، مشهد، کاشان و... تأیید می‌شود (صادقی، ۱۳۴۹: ۶۲).

باطنی در مورد گویش‌ها چنین می‌گوید: هر زبانی می‌تواند به دو صورت ظاهر گردد؛ به صورت گفتار یا به صورت نوشتار. زبان چیزی قابل لمس و عینی نیست؛ زبان مفهومی است مجرد، آنچه قابل شنیدن و مشاهده است، گفتار سخنگویان زبان است. وقتی



گفتارهایی را که نام یک زبان واحد بر آنها اطلاق می‌شود مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که از نظر تلفظ و واژگان و در مقیاسی محدودتر از نظر دستور باهم تفاوت دارند تا جایی که می‌توان گفت هیچ دو نفری که اهل یک زبان هستند، دقیق مانند هم صحبت نمی‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفتار هردو را به اعتبار تفاوت‌هایی که با دیگران دارد، هرچند ناچیز باشد، «لهجه فردی» آن شخص نامید؛ با این همه می‌بینیم که این لهجه‌های فردی را می‌توان در گروه‌های بزرگ‌تری طبقه‌بندی کرد. مهم‌ترین ملاک این دسته‌بندی عامل مکانی است، یعنی می‌توان لهجه‌های فردی را به اعتبار تنوع جغرافیایی آنها در گروه‌های بزرگ‌تری قرار دارد و هر گروه را یک «لهجه محلی» نامید؛ بدین ترتیب در زبان فارسی با لهجه‌هایی چون اصفهانی، شیرازی، یزدی، کرمانی و... مواجه می‌شویم. فرهنگ هر جامعه منحصر به خود آن جامعه و دربرگیرنده ویژگی‌های زبانی خاص است که الزاماً در جایی دیگر یافت نمی‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳).

انسان‌ها با استفاده از زبان به شیوه‌های اساسی زیر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. زبان گفتاری شامل نظام صوتی که آموزش و ارتباط میان انسان‌ها را آسان می‌کند سپس با زبان نوشتاری که از طریق آن زبان گفتاری ثبت و ترسیم و میراث فرهنگی جامعه محفوظ می‌شود و در نهایت زبان تن که مبادله فرهنگی را از طریق حرکات در وضعیت جسمانی میسر می‌سازد.

با توجه به نظریات زبان‌شناسان که توضیح داده شد، گویش‌ها جدای از زبان فارسی نیست و با توجه به اختلاف‌های جغرافیایی و تفاوت‌هایی در طرز تلفظ واژگان صورت گرفته است؛ بدین صورت که کسی که با زبان معیار سخن می‌گوید می‌تواند به جز موارد اندک سخنان گویشوران به گویش‌های دیگر مثل یزدی، اصفهانی، شیرازی و کرمانی و... را متوجه شود.

۴. داده‌های پژوهش

داده‌های این مطالعه را از میان متون مختلف گفتاری مکتوب همچون مجموعه مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها، واژه‌نامه‌ها، فرهنگستان و همچنین از میان مکالمه‌های گویشوران یزدی از



موقعیت‌های طبیعی جمع‌آوری کرده‌ایم. اساس یافته‌ها بر مبنای گویش شهر یزد بود و بررسی گونه‌های زیرمجموعه آن مثل تفت، مهریز، اردکان، میبد و اشکذر به دلیل تنوع ساختاری و معنایی در این پژوهش نیامده است. پس از جمع‌آوری واژگان مختوم به /-ok/ واژگان غیرمرتبط جدا شده است؛ این گونه عناصر غیرمرتبط عبارت‌اند از: واژگان بسیط مختوم به /-ok/ مانند رَندُک^۱.

عناصر واژگان مختوم به /-ok/:

الف. عناصر بسیط مختوم به /-ok/ رندُک گیاه سفیدرنگ که به مصرف سوخت می‌رسد.

ب. ۱. عناصر غیربسیط مشترک با گویش

۲. عناصر غیربسیط خاص منطقه یزد

پرسش زیر هدف این مطالعه را بیان می‌کند:

«موارد کاربرد پسوند /-ok/ و نقش‌های متفاوت آن چیست؟»

۵. بحث و تحلیل داده‌ها

۵-۱. مختصات معنایی

مهم‌ترین تغییرهایی که این وند در سطح معنا به وجود می‌آورد یا به آن می‌افزاید بدین شرح‌اند:

۵-۱-۱. مفاهیم معنایی:

مفاهیم معنایی که خود شامل تصغیر، صمیمیت، تحقیر، فراوانی و افزونی، تشبیهی، تعظیم، تحبیب، معرفگی، توصیفی و اشارگی می‌شوند و به شرح ذیل هستند.

۵-۱-۱-۱. تصغیر

رایج‌ترین نقش این وند تصغیر یا کوچک‌نمایی معنای عنصر پایه یا مرجع است، در این موارد تک‌واژه /-ok/ باعث تغییر در ابعاد فیزیکی عنصر واژگانی می‌شود.

گلُک-----گل کوچک



کوچیگک-----شیء خیلی کوچک

ریژگ-----شیء یا وسیله کوچک

کورگ-----کم کردن شعله چراغ

دخترگ-----دختر کوچک

پُسرگ-----پسر کوچک

۵-۱-۱-۲. صمیمیت

کاربرد این وند گاه ویژگی معنایی صمیمیت یا تحبیب را به عنصر پایه می‌افزاید و آن را در این مقوله، به اصطلاح «نشان‌دار» می‌کند. این وند، صمیمیت بیشتر و فاصله کمتر گوینده را با مخاطب نشان می‌دهد و کاربرد آن با اسم، ممکن است معنای شدت علاقه و عاطفه شخص را به مرجع آن اسم بیان می‌کند.

فنگلک-----برای اشاره به نوزاد

هَلک و گُلک-----هل و گل که برای ابراز احساسات به کسی می‌گویند.

نُفلک-----برای اشاره به شیرینی

جِگَرگ-----دوست داشتنی و خواستنی

مثلاً برای بیان دوست داشتن و تعارف می‌گویند: «جِگَرگَت شَم»؛ این وند در ترکیب با اسم‌های خاص در موقعیت‌های غیررسمی و خویشاوندی یا نزدیکی با همین نقش به کار می‌رود و اتصال آن به واژه گاهی می‌تواند باعث بروز تغییرهایی در صورت واژگانی عنصر پایه نیز شود.

صغرا-----صغرگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی-----عَلک

فاطمه-----فاطک رتال جامع علوم انسانی

که معمولاً هجای آخر کلمه حذف می‌شود و /ok- به آن اضافه می‌شود. گرایش گونه عام به حذف صدا یا هجای پایانی همراه با افزودن یک وند تک‌هجایی که معمولاً «i» است، از نوع عام و جهان‌شمول است و «عنصر تحبیبی» نامیده می‌شود. زبان فارسی نیز از این قاعده



مستثنا نیست و در گونه معیار نیز حذف عناصر پایانی همراه با اتصال وند «i» بسیار رایج است. این پدیده عام زبان در گونه محاوره‌ای یزد، با استفاده از وند/ok- صورت می‌گیرد.

۵-۱-۱-۳. تحقیر

این عنصر معنای تحقیر و تنزل دارد، در چنین مواردی عنصر مورد خطاب یا شخصی است از طبقه، رده یا موقعیت روانی اجتماعی پایین‌تر یا شیئی ست که ارزش کم دارد، کاربرد کلمه‌های زیر در بافت زبان مناسب در این دسته جای می‌گیرد:

دخترک----- دختر

پُسرک----- پسر

بچک----- بچه

۵-۱-۱-۴. فراوانی و افزونی

گاه حاصل اتصال پسوند /ok- به عنصر پایه، صفتی با مفهوم عنصرپایه به شکل برجسته و فراوان است.

زشتک----- بسیار زشت

لُک و پوکک----- چاق و چله بیش از حد

سیفیدک----- خیلی سفید

خوارک----- خیلی نامطلوب و ناپسند

۵-۱-۱-۵. تشبیهی

در تعداد قابل توجه از واژه‌ها، وند /ok- معنای مثل و مانند دارد و عنصری تشبیهی به‌شمار می‌رود. در این حالت دلالت در نشانه واژگانی جدید به دلیل شباهت صوری عنصر واژگانی تازه با مدلول کلمه و جمع شکل می‌گیرد؛ در واژه‌های ساخته‌شده با این پسوند، حضور پسوند مورد بحث به ایجاد تغییر معنایی منجر می‌شود، اما نوعی ارتباط معنایی بر مبنای شباهت بین مفهوم در واژه برقرار است مانند:

خیکک----- شخص چاق، اشاره به خیک یا مشک گوسفندی. گاهی اوقات به

افراد چاق، به خصوص کودکان گفته می‌شود.



خبرچیئک----- اشاره به بردن خبر (قاصدک)، (خبرکشک)
ترناسک----- ترناسک پرنده‌ای شبیه گنجشک با پاهایی درازتر و بدنی لاغر و کشیده‌تر از گنجشک. در یزد به افراد لاغر و بلندقد اطلاق می‌شود.
کمچلیک----- بچه‌قورباغه که در دوره تکاملش به شکل ملاقه است.^۱
پیژک----- پلاسیده و پژمرده شدن میوه

۵-۱-۶. مفهوم تحبیب:

بچه ترک----- نوزاد
خُشک----- در مقام دوست داشتن فردی به کار می‌رود، یعنی فردی که خوب و خوشگل است.
ok-/ در جمله بستگی به کاربرد آن دارد که گاهی مفهوم تحقیر و گاهی مفهوم تحبیب را می‌رساند:

عجب بچک پروئیه! در معنای تحقیر
چه بچک خُشکی! در معنای تحبیب
البته گاهی به کاف تصغیر یک «ه»‌های غیرملفوظ می‌چسبد که سبب تغییر در شکل تلفظ کلمه می‌شود که منظور از این نوع کاربرد در گویش یزدی تحقیر نیست مانند زنیکه، مرتیکه؛ یتا مرتیکک اومده بود دَم در.
این دو واژه زمانی به کار می‌رود که شنونده یا حتی گوینده این زن یا مرد را نمی‌شناسد و اشراف کامل بر آنها ندارد؛ این واژگان در گویش معیار بار معنایی منفی دارد و کاربرد آن برای شنونده خوشایند به نظر نمی‌رسد و در برخی مواقع در دسته تصغیر قرار می‌گیرد.

۵-۱-۷. مفهوم معرفگی

گاه عنصر مورد بحث، مفهوم معرفگی را به عنصر پایه می‌افزاید، یعنی یک اسم نکره را به مدلول معرفه‌اش تبدیل می‌کند؛ در این حالت نشانه آن امکان جایگزینی این وند با صفت‌های اشاره «این و آن» در گونه معیار است، مثلاً عبارت استکائک را بشور! یا کتابک را



۱. در گویش یزدی به ملاقه «کمچلی» می‌گویند.

ببین! یا تیلیویزیون داره فیلمُک خوش نیشون مده، بر یک استکان مشخص یا کتاب مشخص یا فیلم مشخص که برای دو طرف گفتگو شناخته شده است دلالت می‌کند. سینئیک نرقه^۱.

تیلیویزیون داره فیلمُک خوش نیشون مده.
اِقَه پَر نُکش جوون بودا! (این قدر پیراهنش زیبا بود!)

۵-۱-۱. مفهوم توصیفی

گاه این وند در ترکیب با اسم یا فعل، انواع مفاهیمی وصفی را با عنصر پایه یا کلمه مرجع می‌سازد و حاصل این ترکیب، معمولاً صفت نسبی و صفت فاعلی است.

لُک و پوُکُک-----چاق و بدقواره

بودارک-----مشکوک

خیس و پیلِیُسک-----معمولاً به شیء یا لباسی که خیس و لزج شده باشد می‌گویند.

۵-۱-۲. مفهوم اشارگی

صنعت اشاره این و آن که معمولاً هنگام صدازدن شخصی به کار می‌رود.

آی دخترک!

آی پسرک!

آی بچک!

کوچک پشته؛ اشاره به کوچه پشته دارد.

باغک علی: اشاره به باغ علی که حتی ممکن است بزرگ باشد و کوچک نباشد.

درک وسطی: در میانی



۵-۱-۲. ارزش کارکردی

کاربرد وند /-ok/ در عبارت‌های مربوط به غذا، حیوانات و گیاهان نیز رایج است، در این ساخت‌ها به عنصر مورد بحث معادل و گاه جایگزین نام اصلی می‌شود.

۵-۱-۲-۱. اسامی غذاها

خیار گُزک: نوعی خیار سبز که خیلی کم‌رنگ است و طعمی متفاوت با خیار سبز دارد.
خیار تَرک: نوعی خربزه که داخل آن سبز کم‌رنگ است و طعمی بین خیار سبز و خربزه دارد.

چغندرگ: چغندر تازه که برگ‌هایش هم قابل استفاده است و با چغندر معمولی فرق دارد.

شولی اوپُزک: نوعی آش محلی یزدی که فقط آب و آرد و سبزی دارد و اصلاً بنشن ندارد.

۵-۱-۲-۲. اسامی حیوانی

گَمچَلِیک: بچه قورباغه
اِشمازک: مارمولک بیابانی
رُبک: نوعی مارمولک شهری
مال مالک: نوعی مارمولک تپل
چوغورک: گنجشک
لیترک: جوجه گنجشک

۵-۱-۲-۳. اسامی گیاهان

آلوچه رُبک: نام نوعی گیاه در کوهستان‌های اطراف یزد
مُوکک: نام گیاهی خودرو
نُخودک: نخود کوهی که گرد روی پیلۀ آن را جمع می‌کنند.^۱



۱. نخودک یا گرد ترشک: نوعی ادویه ترش مزه

۵-۱-۲-۴. گاه این وند /-ok/ که آخر کلمات می‌آید، درحقیقت وند نیست، جزئی از کلمه است و یک اسم است که معمولاً بر اشیا و ابزار می‌گذارند. شیطونک: در جعبه‌ای که کار آن پراندن ماکوست. شمشیرک: قطعاتی چوبین که از آن برای نقش انداختن روی پارچه استفاده می‌شود. گوچک: چوبی که وسط آسیاب دستی قرار دارد و گندم از داخل این چوب میان تهی به داخل آسیاب می‌ریزد. پیچک: قطعه چوبی که در کلاف کنند و آن را بتابانند تا کلاف فشرده شود و آب از آن درآید.

دسٹک: نوعی ابزار بافندگی است.

۵-۱-۳. گاه این وند در ترکیب با اسم، در زیرمجموعه آن تغییر ایجاد می‌کند و مقوله اسمی جدیدی می‌سازد. در این تغییر، اسم جدید مفهومی متفاوت با اسم مرجع دارد. صورت‌های گوناگون ارتباط معنایی در ساخت‌های مختوم به وند /-ok/ بدین شرح است.

۵-۱-۳-۱. ارتباط در نوع

در این حالت، واژه جدید، نوعی متفاوت از واژه مرجع است. غلومک: شب بند پشت در صندوقک: حشره کفشدوزک

۵-۱-۳-۲. ارتباط مکانی

در این حالت، واژه مرجع ویژگی مکانی واژه جدید را نشان می‌دهد پشتک: پشت هر چیزی بیخک: بیخ، کنار هر چیزی کنارک: کنار هر چیزی پیشک: نیمه بستن در



۵-۱-۳. ارتباط علی

واژه مرجع به عامل یا علت در واژه جدید دلالت می‌کند.
خِرْفُک: «عدسک» داخل مغز گوسفند را می‌گویند و باور دارند کسی که آن را بخورد، خرفت می‌شود.

بخورُک: کسی که زیاد می‌خورد.
نمیرُک: کسی که زیاد عمر کرده است و نمی‌میرد.

۵-۱-۴. ارتباط در حالت / شکل

در این حالت، واژه مرجع، چگونگی، حالت، شکل واژه جدید را توضیح می‌دهد.
پرپرُک: نوعی حشره که پرواز می‌کند مانند شب‌پره

۵-۲. گستره ساختاری

پسوند /ok- در نقش اشتقاقی خود و در فرایند واژه‌سازی، با کلمه مرجع ترکیب می‌شود و در حوزه‌های معنا، متولد یا هردو تغییر را ایجاد می‌کند. حاصل این فرایند کلمه‌ای جدید و متفاوت است؛ به همین علت در فرهنگ لغت مربوط به آن‌گونه، واژگان مستقل به شمار می‌آید.

انواع تغییرات را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۵-۲-۱. اسم به صفت

گاه وند /ok- در ترکیب با اسم، کلمه‌ای جدیدی می‌سازد که از نوع صفت است.

بچه تَرُک: نوزاد

اوتولُک: میوه فشار داده شده و آبکی شده

آروسُک: اسباب بازی، عروسک

آدمُک: مترسک

۵-۲-۲. صفت به اسم

کورُک: دمل

پیَرُک: میوه پلاسیده



صفت به صفت جدید

تر: خیس

ترک: خیلی تازه

خشک: خشک، بسیار لاغر

۵-۲-۳. ترکیب با واژه‌های مکرر و معمولاً از نوع نام‌آوا

گاه این وند با واژه‌هایی مکرر ترکیب می‌شود. این ترکیب فرایندی بسیار زیاست و در نتیجه آن، اسم، صفت و نیز قید ساخته می‌شود.

پت پتک: آهسته و آرام و درگوشی حرف زدن

تیریزک: خنده‌های شیطننت‌آمیز که بیشتر به زنان و دختران نسبت داده می‌شود.

پس پشک: آهسته و آرام

داده‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که عنصر /-ok/ وند بسیار زیبایی است و فرایندی با قابلیت بسیار بالا برای واژه‌سازی است. این وند با اتصال به عنصر پایه مجموعه‌ای وسیع از مفاهیم تازه و مقوله‌های واژگانی جدید را می‌سازد.

۶. نتیجه‌گیری

از بررسی ریشه‌شناسی عامیانه زبان یزدی به این نکته می‌رسیم که گویش یزدی تقریباً ادامه زبان‌های باستانی، به‌ویژه دری زردشتیان این منطقه است که به علت هم‌جواری با همسایران به‌دین روی گویش یزدی تأثیر گذاشته است. گویش معیار با گویش یزدی تقریباً همانند هستند و گویشوران غیریزدی، به‌غیر از مواردی اندک، بقیه سخنان و مکالمه‌ها را متوجه خواهند شد. پسوند /-ok/ که در واژگان یزدی ملاحظه می‌شود مفاهیم متعددی را برای گوینده و هم‌شنونده متبادر می‌کند؛ مفاهیمی مانند صمیمیت، تحبیب، تصغیر، افزونی و... البته طرز بیان واژگان و آوا و صوت هم خیلی مهم است، چون در خیلی از موارد ممکن است یک واژه خاص با یک نوع ادای کلمه، معنی تحبیب و با نوع دیگر ادا معنی تصغیر بدهد، تشخیص این مفاهیم به عهده‌شنونده و گوینده کلام است. وند /-ok/ عنصری است اشتقاقی که با وجود کاهش دامنه کاربردش، به‌ویژه در موقعیت‌های رسمی و میان نسل



حاضر، همچنان ویژگی کلامی خاص گویش یزدی باقی مانده است. این وند بسیار زایا است و قابلیت بالایی برای واژه‌سازی دارد.

در مصاحبه با گویشوران، با توجه به سن و جنسیت آنها، مشخص شد کاربرد این وند متفاوت است؛ به گونه‌ای که ملاحظه شد در بین افراد مسن استفاده از وند /-ok/ بسیار رایج است و همچنین میزان تحصیلات افراد هم در گویش آنها تأثیر دارد. افراد تحصیل کرده کمتر از این وند استفاده می‌کنند و ترجیح می‌دهند واژگان زبان معیار را در مکالمات خود به کار ببرند. زنان جوان هم تمایل کمتری در استفاده از وند /-ok/ دارند و در کل گویش معیار را برای سخن گفتن انتخاب کرده‌اند، به گونه‌ای که شاهد هستیم در مدارس و کودکانها، به خصوص مراکز دخترانه تمایل به گویش معیار بیشتر است. در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که میزان استفاده گویشوران مرد از وند /-ok/ در مکالمات بیشتر از زنان است هرچه سن افراد کمتر می‌شود، تمایل آنها نیز به استفاده از واژگان مختوم به این وند کمتر می‌شود و کلمات مشابه که در زبان معیار وجود دارد، جایگزین این کلمات شده است. البته لهجه یزدی هنوز زیاد به کار برده می‌شود و تعداد گویشوران متعصب به این لهجه زیاد است.

شهر یزد علاوه بر شهر صنعتی اکنون به شهر دانشجویی نیز تبدیل شده است. حضور دانشجویان غیربومی از سراسر کشور علاوه بر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی باعث شده تا دیگر دانشجویان بومی برای فهماندن منظور خود یا با اهداف دیگر به زبان معیار که گویش مردم تهران است پناه ببرند. این موضوع بر شدت زوال گویش یزدی افزوده است و به خصوص پسوند /-ok/ را تحت تأثیر خود قرار داده است و خیلی از اوقات برای گویشوران استفاده از این وند خوشایند نیست. در حال حاضر ما فقط شاهد ته‌لهجه‌ای از گویش یزدی هستیم و واژه‌ها و حکمت‌ها و ضرب‌المثل‌های آن در حال از بین رفتن است. زبان یزدی با اصالت دیرینه خود نه تنها نمودی مهم از هویت گذشتگان این منطقه است و می‌تواند مانند برخی از گویش‌های بومی ایرانی، منبعی غنی در پالایش زبانی به واسطه ورود واژگان بیگانه به شمار آید، بدین لحاظ به منظور حفظ و احیای زبان اصیل یزدی در مقابل هجده‌های زبانی، باید ابتدا در پالایش آن کوشید و سپس برای آموزش و گسترش این زبان غنی که متأسفانه رو به فراموشی نهاده است از مراکز آموزشی و رسانه‌های محلی بهره جست. در این میان وظیفه



جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و زبان‌شناسان علاقه‌مند به گویش‌ها و زبان‌ها، حفظ آثار و آداب و عاداتی است که بخشی از زندگی ساکنان یک سرزمین را تشکیل می‌دهد و آن کلام آن مردم است.



منابع

- آصف آگاه، سید حسین، (۱۳۸۸)، پهلوانی نامگ. تهران: نشر مجمع ذخایر اسلامی.
- ازانسکی، یوسیف، (۱۳۷۸)، زبان‌های ایرانی (ترجمه علی اشرف صادقی). تهران: انتشارات سخن.
- افشار، ایرج، (۱۳۸۲). واژه‌نامه یزدی. یزد: انتشارات اندیشمندان یزد.
- امیری، محمدعارف، و رستم بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۹۵). پسوند /U/ در مکالمات و روایت‌های نوشتاری محاوره‌ای گویش کرمانی: رهیافتی جامعه‌شناختی. *پازند*، سال ۱۲، ۴۵: ۲۹-۴۴.
- باطنی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، مسائل زبان‌شناسی نوین. تهران: انتشارات آگاه. چاپ ششم.
- بیمن، ویلیام، (۱۳۸۱)، زبان، منزلت، قدرت در ایران (ترجمه رضا ذوق‌دار). تهران: انتشارات نشرنی.
- پولو، مارکو؛ ماسفیلد، جان. (۱۳۵۰). سفرنامه مارکوپولو (ترجمه حبیب‌الله صبحی). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حاتمی‌زاده، محمد، (۱۳۸۳)، واژه‌ها و گویش‌های یزدی. تهران: انتشارات ما.
- خامسی هامانه، فخرالسادات، (۱۳۹۳)، تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی. یزد: انتشارات هومان.
- خامسی هامانه، فخرالسادات (۱۳۹۵). جستاری در فقه‌اللغه و ریشه‌شناسی واژگان یزدی. همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۹۴). روش‌شناسی پژوهش در مطالعات گویش‌شناسی. *زبان‌شناخت*، سال ششم، شماره ۲، ۱۱۷-۱۴۳.
- رمضانخانی، صدیقه (۱۳۹۸). ریشه‌شناسی عامیانه برخی از واژه‌های گویش یزدی. *فرهنگ یزد*، سال اول، ۴: ۱۱۹-۱۳۲.
- سرسرابی، شراره‌سادات (۱۳۸۰). بررسی زبان‌شناختی گویش یزدی و نگهداشت آن. همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران.



- شریفی مقدم، آزاده (۱۳۹۲). دربارهٔ وند /u- در گونهٔ زبانی کرمانی. دوفصلنامه علمی پژوهشی زبان پژوهی، سال پنجم، ۷۱: ۹- ۹۴.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۴۹). زبان فارسی و گونه‌های مختلف آن. فرهنگ و زندگی، ۲: ۶۰- ۶۶.
- فالک، جولیا، (۱۳۸۰)، زبان‌شناسی و زبان (ترجمهٔ علی بهرامی). تهران: انتشارات رهنما.
- فره‌وشی، بهرام، (۱۳۹۱)، فرهنگ زبان پهلوی. چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- کیا، صادق. (۱۳۴۰). راهنمای گردآوری گویش‌ها. تهران: انتشارات ادارهٔ فرهنگ عامه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. (ترجمهٔ منوچهر صبوری)، تهران: انتشارات نشر نی.
- مزدپور، کتایون. (۱۳۷۴). واژه‌نامهٔ گویش بهدینان شهر یزد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۷). رابطهٔ لهجهٔ رسمی و لهجه‌های محلی زبان. نامهٔ فرهنگستان، ۷۱: ۱- ۸۲.
- مکنزی، دیوید نیل. (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی (ترجمهٔ مهشید میرفخرایی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مؤید حکمت، ناهید. (۱۳۹۰). تحلیلی بر ساختار زبانی غالب در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی. زبان‌شناخت، سال سوم، ۸۴: ۱- ۷۱.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۴۷). زبان‌شناسی و زبان فارسی. چاپ سوم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۳۶). زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی. مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، سال پنجم، ۱ و ۲: ۱۱- ۴۸.



Analysis of the Word /-ok/ in Words Ending with it in the Yazdi dialect

Niloofer Bein abadi, Soodeh Maghsoodi

Abstract

Dialects are a significant aspect of cultural identity and serve as a vital representation of a country's social structure. Analyzing dialects from a linguistic and research-focused perspective not only aids in the preservation of this invaluable heritage but also enhances our understanding of forgotten archaic words and facilitates their revitalization, thereby strengthening the vocabulary system of the Persian language. The aim of this study is to gain a deeper understanding of the ending /-ok/ within the Yazdi vocabulary and to examine and analyze this ending. This ending, when attached to various lexical elements, generates a diverse array of meanings. Although its productivity has diminished in contemporary usage due to the influence of the standard variety, it continues to be employed by Yazdi speakers. The meanings imparted by the word /-ok/ to the base elements include diminutiveness, derision, familiarity, abundance, analogy, description, and identification. In the present research, we have endeavored to understand the structure and role of this word-forming element within the Yazdi dialect, relying on various types of spoken, oral, and written texts. This included the observation and recording of the speech of native speakers from the region as well as the collection of relevant data from sources such as dictionaries, academies, and examples of spoken discourse.

Keywords: Yazdi dialect, suffix /-ok/, basic element, vocabulary, accent, variety

